چشمه و مجموعه کتاب‌های کینو-آگورا به سرپرستی مازیار اسلامی از نشر لگا.
ویژه‌نامه‌های نوروزی مجله‌های فیلم، فیلمخانه و سینما و ادبیات را هم فراموش نکنید که پر از نوشته‌های خواندنی است، به‌خصوص فیلمخانه که ویژه نامه جذابی تدارک دیده با موضوع «سفر در سینما» و حالا که به دلیل شیوع کرونا، سفر میسر نیست چه بهتر با خواندن درباره فیلم‌های سفرمحور و احیانا تماشای آنها، پاسخگوی نیاز نوروزی‌مان باشیم.

مجله «سروش»: به تازگی سروش هفتگی با نقد جشنواره فیلم فجر منتشر شده و روی پیشخوان مطبوعات آمده است. در این شماره به حاشیه‌های خارج از متن جشنواره نگاهی شده و همچنین در قاب نقد ویژه‌نامه سینمایی جشنواره به سراغ بازیگران، کارگردانان، نویسندگان و منتقدین این دوره از جشنواره فیلم فجر رفته اند تا برای مخاطبان خود فضایی از جشنواره سال جاری را ترسیم کنند.

...ان روزهای تعطیل نوروز

...بهار ...اهی

شب عید و چغندر پخته‌های سینمایی

تك بیت قدیمی و ضرب‌المثل شده «شب عید است و یار از من چغندر پخته می‌خواهد / گمانش می‌رسد من گنج قارون زیر سر دارم» که معرف حضور است؛ همان که فردین (و ایرج) هم در «گنج قارون» و در میانه اومدم از هند اومدم، آن را چهچهه می‌زنند. حالا در این شب عیدی، شما هم بیایید و بزرگواری کنید و این چند پیشنهاد را به عنوان چغندر پخته سینمایی از ما بپذیرید و علی بی‌غم‌وار و سرخوشانه و امیدوارانه به جنگ مشکلات و مصائب و این وبای معاصر، کرونا بروید! شاید بدانید که سراینده این تك بیت «شب عید است...» هم بر اثر ابتلا به وبا از دنیا رفت؛ البته دور از جان عزیز شما و جان ناقابل ما.

۱۹۱۷

احتمالا عشق فیلم‌ها طاقت نیاوردند و همان نسخه کم‌کیفیت ارائه‌شده در حدود دو ماه قبل را دیدند، اما سرانجام نسخه فول اچ‌دی فیلم هم از راه رسید و در دسترس علاقه‌مندان سینماست. روایت قهرمانانه دو سرباز جوان بریتانیایی در جنگ جهانی اول، پرکشش و جذاب است و شما را تا انتهای قصه با خود می‌برد. می‌گویند فیلم، پلان-سکانس است و در یك نما برداشت شده، اما کارگردان، دست‌کم در سه چهار نقطه کات زده که اصلا مهم نیست و چیزی از ارزش‌های فنی این فیلم با فیلمبرداری درخشان راجر دیکینز کم نمی‌کند. در ضمن این فیلم، ظاهرا قصه پدربزرگ سام مندس، کارگردان فیلم است که برای نوه‌اش تعریف کرده. پس با این حساب قدر قصه‌های پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایتان را بدانید و آنها را جدی‌تر بگیرید، بلکه روزی تبدیل به فیلم و کتاب شدند.

جوجو خرگوشه (Jojo Rabbit)

هرچقدر آدولف هیتلر در زمان حیات، منشأ شر و منبع ترس و وحشت بود و جهانی از دستش آسایش و آرامش نداشت، در دنیای سینما به یك منبع خیر و خوب و جذاب تبدیل شد و سینماگران خلاق، انواع و اقسام قصه‌ها را با محوریت هیتلر ساختند. تازه‌ترین فیلم هیتلری سینما، اثری است به نام جوجوخرگوشه ساخته تایکا وایتیتی، سینماگر نیوزیلندی که خودش هم نقش هیتلر را به شکل بامزه و دیوانه‌واری بازی می‌کند و مدام در خیال یك پسرك خجالتی به نام جوجو ظاهر می‌شود و او را به انجام کارهای هیجان‌انگیز و خطرناك تشویق می‌کند. قصه در اواخر جنگ جهانی دوم روایت می‌شود و تا حدودی این بساط بازی انگاشته شدن جنگ و حضور بچه به عنوان یکی از شخصیت‌های اصلی قصه، ما را یاد زندگی زیباست ساخته اسکاری روبرتو بنینی می‌اندازد. به‌جز بازی خوب رومن گریفین دیویس ۱۳ ساله در نقش اصلی، باید به بازی‌های خوب اسکارلت یوهانسون (مادر) و سام راکول (مامور ارتش آلمان) هم اشاره کرد.

سونیك خارپشت (Sonic the Hedgehog)

جیم کری، یکی از دیوانه‌ترین و بازیگوش‌ترین کمدین‌های تاریخ سینماست و استفاده خلاقانه و بامزه‌اش از میمیك و حرکات صورت و بدن، او را متفاوت از همتایانش در دهه ۹۰ میلادی می‌کرد. ماسك، خنگ و خنگ‌تر، ایس ونچورا: کارآگاه حیوانات، چگونه گرینچ کریسمس را دزدید و سرگذشت ناگوار، داستان‌های لمونی اسنیکت، بعضی از هنرنمایی‌های کری در سال‌های دور است. او البته بخشی دیگر از استعداد و توانایی‌اش را در فیلم‌های مهم دیگری هم نشان داد، از جمله نمایش ترومن، درخشش ابدی یك ذهن پاك و شماره ۲۳. جیم کری چند سالی کم کار شده و چندان خبری از او نبود تا این که به تازگی با فیلم سونیك خارپشت دوباره به سینما برگشته و با شمایلی متفاوت و با سبیل، طرفدارانش را سر ذوق آورده است. کارگردانی این فیلم را که ترکیبی از اکشن، ماجراجویی، کمدی، خانوادگی، انیمیشن و علمی - تخیلی است، جف فاولر به عهده دارد.

ریچارد جول (Richard Jewell)

اول از همه بزنیم به تخته که کلینت ایستوود در ۸۹ سالگی، همچنان سرحال است و فیلم می‌سازد و فیلم خوب و استاندارد هم می‌سازد. درست برعکس برخی کارگردان‌های دیگر از جمله فیلمسازان مهم و نام آشنای وطنی که در سن و سال‌هایی بسیار پایین‌تر از ایستوود، از تك و تای فیلمسازی افتاده‌اند و به هیچ وجه فیلم‌های خوبی نمی‌سازند. گرچه ریچارد جول، فیلم تازه ایستوود فاصله تقریبا زیادی با فیلم‌هایی چون نابخشوده، عزیز میلیون دلاری، رودخانه مرموز و پل‌های مدیسون کانتی دارد، اما به هر حال درست و استاندارد روایت می‌شود و چیزهایی برای دوست داشته شدن دارد. ریچارد جول، قصه یك نگهبان امنیتی در زمان برگزاری مسابقات المپیك تابستانی آتلانتا ۱۹۹۶ را روایت می‌کند که جان تماشاگران را از یك حادثه بمبگذاری نجات می‌دهد، اما بعد عده‌ای سعی می‌کنند با ارائه یك گزارش، این عمل قهرمانانه را کاملا برعکس جلوه دهند و ریچارد جول را یك تروریست خطاب کنند.

سر زدن به گنجینه کمدی کلاسیك

یاد برنامه سینمای کمدی با اجرای دلنشین جمشید گرگین در دهه ۶۰ بخیر؛ آن موقع که مثل حالا این همه فیلم و سریال به‌راحتی در دسترس نبود، تماشای همین اندك لحظات فیلم‌های کمدی کلاسیك و بازی‌های درخشان کمدین‌های نامدار تاریخ سینما در برنامه سینمای کمدی، غنیمتی ارزشمند بود. حالا اما به دلیل دسترسی آسان به انواع و اقسام فیلم‌ها در فضای اینترنت، فرصت مغتنمی است تا به گنجینه کمدی کلاسیك هم بی‌اعتنا نباشیم و ساعاتی فارغ از دنیای تیره و تار این روزها، یك دل سیر بخندیم. نمی‌دانم این چه سری است که کمدی‌های کلاسیك حتی با وجود بارها تماشا، هنوز جذابیت و خندانندگی‌اش را حفظ کرده است و همچنان و تا همیشه کارایی دارد. همان‌طور که در زمینه تماشای فیلم‌های جدید و محصولات ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ دستتان باز است و می‌توانید از انگل و دو پاپ و فورد علیه فراری تا مستندهای دیگو مارادونا و پاواروتی و... را ببینید، سینمای کلاسیك و به ویژه کمدی‌ها را از یاد نبرید و مختارید هر انتخاب درخشانی از عصر طلایی سینما داشته باشید؛ از چارلی چاپلین با انبوهی از فیلم‌های تماشایی‌اش همچون پسربچه، جویندگان طلا، روشنایی‌های شهر، عصر جدید و دیکتاتور بزرگ و فیلم‌های کمدین‌های مهم دیگری چون هارولد لوید و باسترکیتون بگیرید تا فیلم‌هایی از لورل و هاردی همچون تفنگ‌های بزرگ و شعبده‌باز و جعبه موسیقی. از اتاق فرمان اشاره می‌کنند، لوئی دوفونس را از قلم نیندازید! این کمدین شیرین و فقید فرانسوی که با صداپیشگی درخشان مرحوم عزت‌ا... مقبلی، طرفداران زیادی در ایران داشت و دارد. تماشای فیلم‌های او هم حال خوب کن است؛ از جمله جنجال بزرگ و هالو و آشپزباشی.

ایرانی‌های همیشه به یاد ماندنی

حالا که تعطیلات نوروز است و نمی شود برویم دید و بازدید، می نشینیم و فیلم ایرانی می بینیم
فیلم‌ها و سریال‌هایی که می‌توانید آنها را در شبکه نمایش خانگی پیدا کنید

لیلا: امروز پس از گذشت بیش از ۲۰ سال، «لیلا» دیگر یک اثر فرهنگی ماندگار است. داستان زنی که با وجود زندگی آرام و عاشقانه‌اش به دلیل ناباروری تحت فشار مادر همسرش قرار می‌گیرد و با وجود اینکه رضا، همسرش مشکلی بابت این اتفاق ندارد، اما لیلا به اصرار مادر همسرش رضایت می دهد که برای رضا زن دومی بگیرند.

شب یلدا: «شب یلدا» را لازم نیست فقط در شب یلدا ببینید. هر شب دیگری هم که ببینید لذت اش را می برید. چون تاریخ انقضا ندارد. فیلمی عاشقانه که زندگی مردی به نام حامد را روایت می کند که باوجود علاقه بسیار به همسرش مهناز و فرزندش نازی، آنها را پس از ده سال زندگی مشترک به خارج از کشور می‌فرستد.

اجاره‌نشین‌ها: طنزی که هوشمندانه و استاندارد باشد بعد از گذشت بیش از ۲۰ سال باز هم مخاطبانش را می‌خنداند. «اجاره نشین ها» داستان خانه ای است که عده ای مستاجر دارد، اما وارث یا وارثانش مشخص نیستند. خانه نیازمند تعمیرات اساسی است ولی بی توجهی عباس آقا باعث می‌شود تا خانه بر سر ساکنانش فرو بریزد.

سرخ‌پوست: نیما جاویدی پنج سال بعد از ساخت فیلم «ملبورن» با دومین تجربه سینمایی خود موفقیت بزرگی کسب کرد. «سرخ‌پوست» ماجرای یک زندان را در حدود سال ۱۳۴۶ روایت می‌کند که قرار است تخریب شود و زندانیان به زندان دیگری منتقل شوند، اما در این بین مشخص می‌شود که یک زندانی گم شده است.

سریال «کرگدن»: در میان آشفته‌بازار محصولات شبکه نمایش خانگی، «کرگدن» از همان روز اول توانست قلابش را تا حدودی درست بیندازد و مخاطب را به دنبال کردن ادامه قصه ترغیب نماید. ماجرا از این قرار است که پنج جوان، به واسطه مهارت‌هایشان وارد چالش آدرنالین می‌شوند و این سرآغاز رفاقت بین آنهاست.

سریال «هم گناه»: از جدیدترین محصولات شبکه نمایش خانگی با بازی بازیگرانی مشهور است که می توانند دل مخاطب را به دست بیاورند. آنطور که در خلاصه داستان این سریال آمده؛ خانواده صبوری که در آرامش با هم زندگی می‌کنند، اما ورود جوانی به این خانواده زندگی همه خانواده را دستخوش تغییراتی می‌کند.

چی بهتر از بازی؟

گوشی‌های تلفن همراه را بگذاریم کنار. برگردیم به بازی‌های قدیمی که باعث می‌شدند دور هم جمع شویم، هم بخندیم و هم رقابت کنیم. خلاصه همه جوره حال خوبی را تجربه کنیم و کمتر هم در معرض شایعه‌های فضای مجازی قرار بگیریم.

وقتی نباید بمیرید

«نمیریه» یك بازی جذاب کارتی مناسب برای دور همی‌های خانوادگی و دوستانه است که می‌تواند ساعت‌ها سرگرم‌تان کند. هدف بازی نمیریه، نمردن شماست! به همین سادگی. شما با کارت‌هایی که دارید که شامل کارت‌هایی با نام‌های متفاوت مثل اجل معلق، طالع بینی، نع خیر و... است و برای حفظ خود از مردن باید کارت شفای عاجل را بیابید و سعی کنید که زنده بمانید.

تعداد نفرات: ۲ تا ۵ نفر
درجه سنی: ۷ سال به بالا
مدت زمان: ۱۵ دقیقه

یک حرکت اقتصادی

بازی جالیز از آن عناوین اقتصادی است که می‌تواند برای هر قشری جذاب باشد. در ادامه شیوه بازی کردن جالیز را به شما آموزش می‌دهیم تا متوجه جذابیت‌های این اثر شوید.

در این بازی کارتی اقتصادی هر بازیکن جالیزهای خود را در اختیار دارد و در طول بازی تلاش می‌کند تا با کاشت و برداشت بهترین محصولات، درآمد بیشتری را به دست آورد. بازیکنان همچنین با معامله محصولات با همدیگر می‌توانند تعداد بیشتری از محصول را به فروش برسانند.

تعداد نفرات: ۳ تا ۷ نفر
درجه سنی: ۹ سال به بالا
مدت زمان: ۴۵ الی ۹۰ دقیقه

تجربه جذاب تاجر رنسانس بودن

در کهربا هر بازیکن در نقش بازرگانی در عصر رنسانس ظاهر می‌شود که سعی می‌کند معادن جواهرات را بخرد، استخراج کند، حمل و نقل کند و بفروشد. همه این کارها هم برای کسب اعتبار یا پرستیژ بیشتر انجام می‌شود. اگر وضع‌تان به اندازه کافی خوب شود شاید حتی با یکی از اشراف‌زادگان دیدار کنید و این ملاقات هم اعتبار شما را بیشتر از پیش بالا ببرد. این عنوان را در عین جذاب بودنش بسیار ساده بازی می‌شود. یا جواهر برمی‌داریم، یا اگر ترکیب مناسبی از جواهرها را داریم، کارت می‌خریم. هرچه بیشتر کارت بخریم شرایط خریدن کارت‌های بعدی راحت‌تر می‌شود؛ مزیتی که برای تمام بازیکن‌ها یکسان است.

تعداد نفرات: ۲ تا ۴ نفر
درجه سنی: ۱۰ سال به بالا
مدت زمان: ۳۰ دقیقه

خرید و فروش خودرو در گاراج

اگر به خرید و فروش ماشین علاقه دارید یا کلا ماشین باز هستید، توصیه ما این است که حتما بازی «گاراج» را تست کنید. در حراجی بزرگترین گاراج شهر هر وسیله نقلیه‌ای را می‌توانی بخری و بفروشی؛ پس بهترین‌ها را با کمترین قیمت در حراج بخر، اما بازیکنان رقیب را مجبور کن پول بیشتری برای خرید خرج کنند و بعد هر چیزی که خریدی را به بیشترین قیمت ممکن بفروش تا پول بیشتری به دست بیاوری.

درجه سنی: ۹ سال به بالا
تعداد نفرات: ۳ تا ۶ نفر
مدت زمان: ۳۰ دقیقه

فیلشاه خودمان!

فیلشاه یکی از محبوب‌ترین انیمیشن‌های ایران است که علاوه بر بازار داخلی توانست در کشورهای عراق و لبنان هم به موفقیت برسد. در این بازی مفرح و سرگرم کننده، شما در نقش فیلشاه ظاهر خواهید شد و باید از تمام توان خود برای خروج از سپاه ابرهه و بازگشت به سرزمین مادری خود استفاده کنید. توجه داشته باشید که در این راه پر چالش، ابرهه و محافظان سپاه ابرهه مانع از خروج شما خواهند شد.

البته در این بین، شما دوستی چون مریم خواهید داشت که این دختر دوست داشتنی، شما را در این مسیر کمك خواهد کرد تا از چنگال سپاه ابرهه بی رحم و ستمگر گریخته و به زندگی عادی خود بازگردید.

تعداد بازیکنان: ۲ تا ۴ نفر
درجه سنی: ۳ سال به بالا
مدت زمان: ۱۵ تا ۳۰ دقیقه

جنایت در خیابان‌های تهران

تمام شهر به خاطر قتل‌های وحشتناکی که اتفاق افتاده در ترس و وحشت فرو رفته است. پلیس با تمام نیروهای خود تلاش می‌کند تا سرنخ‌های پرونده‌های قتل را شناسایی کند و شما که از زبده‌ترین کارآگاه‌های شهر هستید را فراخوانده تا معمای قتل را حل کنید.

هر کارآگاه موظف است زودتر از بقیه معمای پرونده خود را حل کرده و کشف کند کدام ۱۳ سرنخ مربوط به پرونده‌اش است. ۱۳ سرنخ بازی استنتاجی ساده و در عین حال هوشمندانه‌ای است که هر بازیکن به جز سرنخ‌های پرونده خود، سرنخ‌های سایر بازیکنان که شامل اشخاص، مکان‌ها و سلاح‌ها است را می‌بیند و با پرسیدن سوال‌هایی از سایر بازیکنان به حل معمای خود می‌پردازد تا بفهمد چه شخصی با چه وسیله‌ای و در کجا قتل را انجام داده است.

تعداد بازیکنان: ۲ تا ۶ نفر
درجه سنی: ۸ سال به بالا
مدت زمان: ۳۰ دقیقه

...ها سفر کنید

کتاب‌هایی که عرض خواهیم کرد رفتنی است؛ سفر به آن سوی آب‌ها، منتها سوهایی که دیگر آن شکلی نیستند که در این مشاهدات و کتاب‌ها بوده‌اند.

نشر اطراف، دو سه سالی است که یک مجموعه راه انداخته با عنوان «تماشای شهر». دبیر این مجموعه هم علی‌اکبر شیروانی است؛ همان محققی که رفیق سال‌های پایانی عمر قاسم هاشمی‌نژاد بزرگ بود و رهاور این رفاقت هم شد دو کتاب به کوشش شیروانی. یکی «راه ننوشته» که گفت‌وگویی است با آقای شاعر و داستان‌نویس و عرفان‌پژوه، و دیگری «عشق گوش، عشق گوشوار» که مجموعه مقالاتی است از قاسم هاشمی‌نژاد. شیروانی اما در مجموعه «تماشای شهر» نشر اطراف، کاری کرده کارستان و از لابه‌لای متون دوره قاجار، از سفرنامه‌هایی سراغ گرفته که ایرانیان از مشاهداتشان از سفر به بلاد فرنگ می‌نوشتند. اهمیت این تحقیق‌ها از آن روست که چنین متونی را اگر خودتان قرار بود بخوانید باید لابه‌لای هزاران صفحه متن که همگی سفرنامه نبودند سردرگم می‌شدید تا چند صفحه از این اشارات را بخوانید، اما شیروانی در این چند سال نشسته و از این متون سفرنامه‌هایی خواندنی به دست داده است. در این مجموعه اولین تصویرها و گزارش مسافران قاجاری از پنج شهر از میان سفرنامه‌های موجود به شکل ویراستاری و دبیری شده کنار هم قرار گرفته‌اند. محصول کار او حالا به انتشار پنج جلد از سری «تماشای شهر» منجر شده است: «پاریس از دور نمایان شد»، «آسمان لندن زیاده می‌بارد»، «قهوه‌ی استانبول نیکو می‌سوزد»، «سن‌پترزبورگ موزیکانچی دارد» و «بمبئی رقص الوان است».